

آینده سیاسی هاشمی در گفتگو
با عماد افروغ

رهبری خواستار عزلت هاشمی نیست



▼ عماد افروغ یکی از اصول‌گرایان منتقد حوادث پس از انتخابات است. وی که در طول فعالیت دولت نهم از صریح‌اللهجه‌ترین منتقدین اصول‌گرای احمدی نژاد بود، در جریان انتخابات ریاست جمهوری، موضعی بسیار نزدیک به مواضع اصلاح‌طلبان میانه رو اتخاذ کرد. با افروغ درباره آینده سیاسی هاشمی رفسنجانی در نظام جمهوری اسلامی گفتگو کردیم. وی به رغم انتقادات اصولی‌اش به هاشمی، با فشارهایی که این روزها به هاشمی وارد می‌شود به شدت مخالف است. افروغ پروژه «منتظری‌سازی» از هاشمی را نه به مصلحت می‌داند و نه قرین توفیق. وی معتقد است که هاشمی کماکان در کلیه مناصب خویش در نظام جمهوری اسلامی باقی‌خواهدماند.

اخیراً جریان‌های افراطی، دور تازه‌ای از حمله به هاشمی رفسنجانی را آغاز کرده‌اند. مثلاً در خیرگزاری فارس از هاشمی با عنوان «اکبر شاه» نام برده شد و پیش‌تر نیز برخی به هاشمی تذکر دادند که از سرنوشت آیت‌الله منتظری عبرت بگیرد. با توجه به فضایی که این روزها علیه هاشمی بوجود آمده است، شما آینده سیاسی هاشمی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در باب هتاک‌ها به آقای هاشمی باید بگویم که در عالم رقابت سیاسی باید خویش‌داری و تساهل وجود داشته باشد؛ تساهلی که در قالب قانون اساسی کشور تعریف شده است. چه در غیر این صورت فرض رقابت منتفی می‌شود. شاید برخی گروه‌ها به لحاظ ساختاری و به لحاظ نوع فرهنگ سیاسی‌شان به انحاء گوناگون بخواهند رقیب بلامنازع مبارزات سیاسی باشند. ممکن است این گروه‌ها با توجه به ابزارها و مفاهیم در اختیار، برای این یک‌تازی توجیهاتی هم داشته باشند اما ما باید با این فرهنگ مقابله کنیم. اختلاف سلیقه نباید به حذف رقیب بی‌انجامد. حضرت امام می‌فرمودند آزادی و رقابت تاجایی که به حذف رقیب و اخلال در نظام و ارزش‌های اسلامی نینجامد، جایز است (نقل به مضمون). حذف رقیب ناپسند است چرا که به حذف رقابت می‌انجامد و حذف رقابت نیز جامعه نامتکثر را

کرد محل نقد است؟ نه، زیرا سخنان ایشان کاملاً درست بود. بله، ایشان سخنان دیگری هم باید می‌گفت که می‌تواند در فرصت‌های دیگر مطرح شود. ما باید به نیمی‌پر لیوان نگاه کنیم. باید ببینیم آیا حرف‌های آقای هاشمی نیمی از لیوان را پر کرد یا نه؟ ما نباید با نگاه «صفر و یک» در چرخه نقد را ببندیم. نگاه ما باید طیفی باشد. برخی قسمت‌پر لیوان را انکار می‌کنند. سخنان هاشمی در نماز جمعه، حاکی از توجه ایشان به واقعیت‌های جامعه و ضرورت وحدت بود.

اتفاقاً آقای هاشمی در سخنان خود مقایسه دلپذیری داشتند. ایشان نظام جمهوری اسلامی را با صدر اسلام و رهبری را با پیامبرگرمای اسلام مقایسه کردند و از این طریق شان رهبری را بالا بردند. آیا سخن گفتن از ضرورت دلجویی از آسیب‌دیدگان حوادث پس از انتخابات، سخن ناپسندی است؟ این حرف را که مقام معظم رهبری هم بیان کردند. رهبری در آخرین بیانات خودشان به ضرورت دلجویی از آسیب‌دیدگان اشاره کردند. اگر ناقدین بر پایه ادعای تبعیت از رهبری به نقد هاشمی می‌پردازند، خوب است به این نکته توجه کنند که مقام معظم رهبری در نماز جمعه، آقای هاشمی را از انگ‌هایی که همواره به ایشان وارد می‌شود میرا دانستند.

به هر حال به نظر من هیچ‌کس نباید از گردونه انقلاب حذف شود. کسانی که سابقه التزام به انقلاب و قانون اساسی را دارند باید در دایره نیروهای انقلاب باقی‌مانند. اگر نیروهایی مثل هاشمی رفسنجانی از عرصه انقلاب اسلامی حذف شوند، اعتماد مردم به نظام زایل می‌شود.

البته باید اضافه کنم که من به سابقه انقلابی این قبیل حمله‌کنندگان به هاشمی، شبیه دارم. به علاوه این‌ها در قدرت حضور دارند و از مواهب قدرت متمتع‌اند. البته این حرف من به این معنا نیست که افرادی که در دایره قدرت قرار دارند حق نقد دیگران را ندارند. آنها هم حق نقد دیگران را دارند اما امیدوارم پاسخی برای این شبهات داشته باشند.

شما احتمال برکناری هاشمی از ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و امامت جمعه تهران را در چه حد می‌دانید؟

من احتمال برکناری ایشان از این دو منصب را در حد صفر می‌دانم. مگر اینکه خودشان کنار بروند.

شاید فشار بر هاشمی آن قدر افزایش یابد که بالاخره خودش ناچار به کناره‌گیری از این مناصب شود.

بله، احتمال افزایش فشار با هدف کنار رفتن ایشان زیاد است. اما من فکر نمی‌کنم که مقام معظم رهبری خواستار عزلت سیاسی آقای هاشمی باشند. من چنین تصور و توقعی از مقام معظم رهبری ندارم. آخر حادثه‌ای اتفاق نیفتاده است که کنار رفتن آقای هاشمی را ضروری ساخته باشد. به نظر من حرف‌های مقام معظم رهبری هم دال بر این امر نیست. در هر صورت من کناره‌گیری آقای هاشمی را به صواب نمی‌دانم و معتقدم باید فکری به حال این فشارها کرد. ■

ایجاد می‌کند. در چنین جامعه‌ای امکان دستیابی به حقیقت مخدوش می‌شود و به تبع آن در اثر یکدستی و وحدت‌صوری، نفاق ایجاد می‌شود. آشکار شدن اختلافات امر مطلوبی است اما متأسفانه برخی افراد و گروه‌ها با استفاده از رابطه ساختاری قدرت و ثروت و نیز توجیهات دینی در پی پیروزی به هر قیمت ممکن هستند. این امر زیننده نظام جمهوری اسلامی و مطابق با مبانی این نظام نیست.

در تصور ما از نظام جمهوری اسلامی، رواج این گونه بی‌اخلاقی‌هایی که شما به آن اشاره کردید، نمی‌گنجد. رابطه اخلاق و سیاست در نظام جمهوری اسلامی این گونه نیست. چه خوب است که این آقایان فحاش توجیهات شرعی خود را ارائه کنند تا دیگران هم از آنها بیاموزند. اگر فحاشی توجیه شرعی دارد، توجیه آن را بگویید تا دیگران نیز در مواقع ضروری فحاشی کنند. اما اگر فحاشی توجیه ندارد ولی شما به خاطر تأمین منافع سیاسی خود فحش می‌دهید، لاقلاً به نام دین این کار را نکنید. به جای اتخاذ رویه‌ای چنین نادرست، ما باید به هر کس که می‌خواهد در قالب قانون اساسی فعالیت کند اجازه فعالیت بدهیم. آخر کسب پیروزی با حذف و بدنام کردن و پیاده کردن همه نیروهای انقلابی از قطار انقلاب اسلامی چه ارزشی دارد؟

به هر حال در باب فحاشی‌ها این نکته نیز قابل ذکر است که قطع نظر از اینکه چه کسانی این کار را می‌کنند، ظاهراً شرایط هم برای انجام این کارها مهیا می‌شود. به نظر من متضرر اصلی این اقدامات، ملت است. کسی که دغدغه دفاع از حقوق ملت را دارد، باید در برابر این افراد و این قبیل رفتارها و گفتارها بایستد. انحصارطلبی امری ناپسند است و انحصارطلبان فحاش میل به دیکتاتوری دارند. اتفاقاً این افراد دیکتاتورمآب باید از دایره انقلاب اسلامی حذف شوند نه نیروهای انقلابی و اصیلی همچون آقای هاشمی.

منتقدین هاشمی معتقدند که هاشمی در نماز جمعه چیزهایی را گفت که نباید می‌گفت و چیزهایی را نگفت که باید می‌گفت. شما این انتقاد را به هاشمی وارد می‌دانید؟

ما می‌توانیم بگوییم فلان فرد در فلان سخنرانی خیلی چیزها نگفت که باید می‌گفت. اما قضاوت درباره هر فردی بر مبنای گفته‌های او صورت می‌گیرد نه بر مبنای گفته‌هایش. آیا حرف‌هایی که آقای هاشمی بیان